



بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی - 8 / خرداد / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشامدید برادران و خواهران عزیز، و خسته نباشید. امیدواریم که خداوند متعال بر لحظه لحظه‌ی تلاشها و اهتمامها و مسئولیت‌شناسی‌های شما برادران و خواهران عزیز اجرهای فراوانی عنایت کند و توفیقاتش را بر شما روزافزون بدارد.

تشکر میکنیم از جناب آقای لاریجانی، به خاطر این گزارش خوبی که دادند؛ و همچنین بخصوص به خاطر این موضعگیری صریح و روشنی که نسبت به مستکبرین، نسبت به آمریکا، نسبت به زیاده‌خواه‌ها و یاوه‌گوهای بین‌المللی، از زبان شما نمایندگان محترم ابراز کردند. البته اینها زبان حال مردم ما هم هست و باید حقیقتاً خدا را سپاسگزاری کرد بر این که تفضل کرده است و توفیق داده است که ملت ما در طول این سه دهه، همچنان فهم دقیق و روشن خود از خطکشی‌ها و جناح‌بندی‌های جهانی و مضمون این جناح‌بندی‌ها و اهداف آنها را حفظ کند، بلکه روزه‌روز به آن افزایش ببخشد. حقیقت هم این است که یکی از مشکلات و گرفتاری‌های ملتها، نداشتن این آگاهی یا غفلت از آنهاست، که در تحولات عالم و در حوادث گوناگون به آنها ضرر میزند و سرپیچهای تند و سخت سیاسی، آنها را دچار اشتباه میکند. اگر جناح‌بندی‌های جهان، جناح‌بندی‌های بزرگ و کلان دنیا در عالم سیاست، در عالم اقتصاد، برای ملتها روشن باشد، با آن آگاهانه بیندیشند، هدفها را در این جناح‌بندی‌ها مدنظر داشته باشند، تیغ مستکبرین عالم کند خواهد شد. هدف از این تبلیغات وسیعی که شما ملاحظه میکنید - چقدر ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی، امروز در خدمت سیاستهای مستکبرین است - عمدتاً غبارآلودکردن و ابری کردن فضاست، تا ملتها نتوانند همین آگاهی را، همین بصیرت را به دست بیاورند، یا نتوانند حفظ کنند. ملت ما این را حفظ کرده است، و این جای سپاس فراوانی دارد.

بنده باید از مجلس محترم تشکر کنم به خاطر اینکه این مواضع را در طول این دوره تا امروز و ان شاء الله تا آخر دوره، به طور واضح از خود بروز و نشان داده است. خیلی برای کشور و برای انقلاب سرشکستگی داشت اگر مجلس احیاناً در یکی از این قضایای مهم سیاسی و این حوادث گوناگون دچار خطا میشد یا موضعگیری نمیکرد یا بدتر از آن، موضعگیری غلط میکرد. اینکه مجلس در قضایای مختلف سیاسی دنیا، در جمله‌های دشمنان به جمهوری اسلامی، قرص و محکم، واضح و آشکار ایستاد و موضع گرفت، واقعاً جای افتخار دارد، جای تشکر دارد. من صمیمانه تشکر میکنم و اصرار دارم بر اینکه این مواضع، همچنان با همین استحکام، با همین قوت ادامه داشته باشد؛ چون چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمری است، چالش ادامه‌داری است. البته به حول و قوه‌ی الهی تا ابد طول نخواهد کشید؛ هرچه زمان میگذرد، کفه‌ی نظام اسلامی سنگین‌تر میشود، قوی‌تر میشود. آن روزی که دشمنان احساس نومیدی کنند، حمله‌ها کم خواهد شد، بتدریج زائل خواهد شد؛ لیکن تا آن روز، ایستادگی ملت، ایستادگی نخبگان ملت، یک امر ضروری و لازم است؛ این را باید ادامه داد. مبدا ظرافتهائی که در نوع برخورد انقلاب با دشمن مورد نظر است، مورد غفلت قرار بگیرد. ببینیم که امروز نقشه‌ی دشمن در مورد انقلاب چیست. به تعبیر متعارف و رائج، سناریوی دشمن را حدس بزنیم، ببینیم دنبال چیست. اگر توانستیم درست بفهمیم، درست حدس بزنیم و در مقابل سناریوی دشمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه‌ریزی کردیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد. همه‌ی شواهد نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه‌ی اساسی دارد. از واضح‌ترین‌هایش انسان شروع کند، یکی مسئله‌ی اقتصاد است. اینکه ما امسال گفتیم «سال جهاد اقتصادی»، ناظر به این بخش قضیه است. به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب راندن و پس راندن کشور در زمینه‌ی اقتصاد، که منتهی بشود به فلج پایه‌های اقتصادی، منتهی بشود به نومیدی مردم، یکی از کارهای اساسی است. خب، این چیز واضحی



است؛ خودشان هم این را دارند بیان میکنند و میگویند. این، هم برای مجلس، هم برای دولت، هم برای یکایک مسئولانی که در بخشهای مختلف مشغول تلاش هستند، خط روشنی را ترسیم میکند که چه باید کرد. یک نقطه‌ی دیگر - که آن هم خیلی واضح است - ایجاد اختلاف بین دستگاه‌های مدیریت‌کننده‌ی کشور است؛ این هم یکی از کارهای اساسی آنهاست. این مسئله را پنهان هم نمیکنند. نه اینکه نمیخواهند پنهان کنند؛ پنهان‌کردنی نیست. نوع کار دشمنان در این قضایای مهم و کلان و بین‌المللی اقتضاء میکند که یک کارهایی را بکنند، یک چیزهایی را بگویند، اظهاراتی را داشته باشند؛ لذا این تدابیر و سیاستهای دشمنان در پرده نمیماند. میخواهند اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف را به هر شکلی بتوانند، تزریق میکنند؛ ما بایستی بیدار باشیم. اختلاف سلیقه، اختلاف نظر، اختلاف عقیده در مسائل سیاسی، نباید به چالش میان جناحهای کشور، میان عناصر کشور منتهی شود. گناه بزرگ فتنه‌گران در سال 88 این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوئیم اینها یک شبهه‌ای، خدشه‌ای در ذهنشان بود، این خدشه را به صورت ایجاد چالش برای نظام اسلامی مطرح کردند. این گناه بزرگ، قابل اغماض هم نیست؛ آثار آن هم همچنان در جامعه‌ی ما موجود است. البته ملت، ملت بیداری است. نصاب لازم در فهم و بصیرت این ملت موجب میشود که خیلی از این حوادث پوشیده بشود و بتدریج آثار آن زائل شود؛ لیکن اینها به خاطر همین، ضربه زدند. ایجاد دعوا، گریبان یکدیگر را گرفتن، ایجاد اختلاف عمیق، یکی از کارهای بسیار بد، بسیار بزرگ و نکوهیده است؛ این همان چیزی است که دشمن میخواهد.

شما در مجلس شورای اسلامی سهم خودتان را در این زمینه ایفاء کنید. ربطی ندارد این مطلب به اینکه آن کسی که در مجلس است، مال چه نحله‌ی سیاسی است، چه مذاق سیاسی‌ای دارد؛ فرقی نمیکند؛ مسئله، مسئله، دفاع از کشور، دفاع از انقلاب، دفاع از اسلام، دفاع از دستاورد بزرگ ملت ایران است؛ این دیگر بین همه‌ی جناحها مشترک است، مگر آن کسانی که بیگانه‌اند؛ والا بین جناحهایی که معتقدند - حالا وابسته به هر نحله‌ی سیاسی میخواهند باشند - مشترک است.

یکی دیگر از قلمهای واضح اساسی، رقیق کردن اعتقادات اسلامی و احساسات اسلامی و رسوخ دادن تفکرات الحادی و شبه‌الحادی از طرق مختلف است؛ این جزو سیاستهای اینهاست. دستگاه‌های گوناگون تبلیغاتی را با مبالغ کلان، با پیگیری‌های همه‌جانبه و گسترده، در خدمت تغییر فکر جوانان ما به کار میگیرند. البته این مخصوص جوانان ما هم نیست. امروز در همین کشورهای عربی که این قیامها و انقلابها اتفاق افتاد، عین همین قضیه دارد با شدت پیگیری میشود؛ دارند دنبال میکنند. میلیاردها دلار خرج کردند برای اینکه بتوانند ذهن و فکر جوانانی که در فلان میدان قاهره یا فلان میدان تونس اجتماع کردند و آن حوادث بزرگ را به وجود آوردند، تغییر دهند، عوض کنند. اینها اتفاقاتی است که دارد می‌افتد. اینها حدس و تحلیل نیست؛ اینها اطلاع است. خب، دشمن مشغول است؛ با همه‌ی قوا مشغول است. از این قبیل کارها به وسیله‌ی دشمن انجام میگیرد. ترویج فساد هست، ترویج فحشا هست، ایجاد تردید در عقاید هست.

دشمن یک سناریوی جامع و سر و ته داری را برای نظام اسلامی و برای حرکت اسلامی و بیداری اسلامی تدارک دیده است. خوشبختانه ما کفایت برخورد با این سناریو را داریم؛ در این تردیدی نیست. این را من با قاطعیت عرض میکنم؛ با مایه‌های اعتقادی و فلسفی و عقیدتی غنی و قوی‌ای که در بین ما بالفعل وجود دارد - حالا آن کارهای بالقوه به جای خود - با نیروی انسانی علاقه‌مند و کارآمد، این کفایت در نظام جمهوری اسلامی هست که در مقابل این هجمه مقابله کند؛ همچنان که در طول این سی و دو سال، جمهوری اسلامی این کفایت را نشان داده. در این سی و دو سال بیکار که نبودند. مرتباً تلاش شده، مرتباً فکر شده، به قول خودشان اتاقهای فکرشان مشغول کار بوده است. پول خرج کرده‌اند، مرتباً طرح بیرون داده‌اند، آدم معین کرده‌اند، مأمور گذاشته‌اند، رفت و آمد کرده‌اند؛ در زمینه‌های دیپلماسی هرچه توانسته‌اند، کرده‌اند؛ ولی خب، نتیجه این شده است که جمهوری اسلامی جلو آمده،



آنها عقب رفته‌اند. البته اگر برخی کوتاهی‌های ما نبود، برخی از ضعفهای اخلاقی و غیر اخلاقی ما نبود، ما از این هم جلوتر میرفتیم. بالاخره اشکالاتی در ما وجود داشته؛ لیکن با وجود اشکالات، امروز ما به طور واضح و بین‌جلو رفته‌ایم، و دشمن به طور واضح و بین‌عقب رفته. آمریکای دوره‌ی ریگان با آمریکای دوره‌ی اوپاما زمین تا آسمان تفاوت کرده. جمهوری اسلامی سال 60 هم با جمهوری اسلامی سال 90 زمین تا آسمان تفاوت کرده. ما جلو رفته‌ایم، آنها عقب رفته‌اند. بنابراین کفایت برخورد وجود دارد، منتها بیم آن هست که ما یا غافل شویم یا مغرور شویم؛ هر دو تای اینها خطر است. نه باید غفلت کرد و سرگرم کارهای حاشیه‌ای شد، نه باید مغرور شد و دشمن را خرد و بیچاره شمرد؛ باید هشیاری باشد. تك تك ماها مخاطب این حرف هستیم. یعنی شما دوپیست و نود نماینده در مجلس، هر يك یکتان جداگانه مخاطب این خطاب الهی و این مسئولیت الهی هستید؛ باید مواظب باشید. دولت هم همین جور، مسئولین قضائی هم همین جور، مسئولین بخشهای گوناگون کشور هم همین طور؛ نظامی‌ها يك جور، غیر نظامی‌ها يك جور، آحاد مردم هم همین جور؛ همه مسئولیم؛ منتها مسئولیت مسئولان حکومتی، مسئولیت محدّد و روشن و غالباً تعریف شده‌ای است. همه مسئولیم، یعنی با این دید به مشاغل خودمان نگاه کنیم؛ بنده در شغل خودم، شما در شغل خودتان، دیگری در شغل خودش.

ما بار امانت سنگینی را بر دوش گرفته‌ایم. خدای متعال این بار امانت را بر دوش ما گذاشته. اختیاری هم نیست که بگوئیم خیلی خوب، ما این امانت را نمیخواهیم؛ نه، این امانتی است که باید آن را مقتدرانه و امینانه به سرمنزل رساند. هر کاری که میکنیم - کار سیاسی میکنیم، کار فکری میکنیم، کار اقتصادی میکنیم، کارهای مدیریتی میکنیم - همه باید با این نگاه باشد. اگر فارغ از این نگاه کار کردیم، بیم آن هست که کار ما در جهت خلاف این اهداف به کار بیفتد؛ آن وقت مؤاخذه‌ی الهی است. خدای متعال از اینگونه گناهان بزرگ نمیگذرد. امام (رضوان الله تعالی علیه) در چند مورد از مسائل اجتماعی و گناهان اجتماعی و تخلفات سیاسی و اینجوری، همین تعبیر را داشتند: این گناهی است که خدای متعال از آن نخواهد گذشت، چون توبه‌اش آسان نیست. خب، انسان از هر گناهی توبه کند، خدا میگذرد؛ اما وقتی انسان يك حرکتی کرد، يك ضربه‌ای به يك ملت وارد شد، چطور میشود این را توبه کرد؟ چطور میشود جبران کرد؟ چطور میشود از تك تك کسانی که آسیب دیده‌اند، انسان استحلال و طلب عفو کند؟ لذا خدا از این گناهان نمیگذرد. حساسیت موضع من و شما از این جهت است.

خب، حالا يك نگاه به مسائل منطقه و مسائل جهان و مسائل عمومی کشور است، که عرض کردیم. خوشبختانه مواضع مجلس و دولت خوب بوده است؛ ایستادگی کردند. مسئولین کشور خوشبختانه در مناسبتهای مختلف توانسته‌اند صدای رسای انقلاب را از فراز این هیاهوهای گوناگونی که منطقه را فرا گرفته، به گوش مردم منطقه هم برسانند. علی‌رغم هیاهو و جنجال و شلوغ بازی‌ای که دشمنان درآوردند، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند حرف درست را، حرف متین و منطقی را به گوشها برسانند. این خوشبختانه اتفاق افتاده است و باید هم ادامه پیدا کند.

خب، میدان جنگ است دیگر. میدان جنگ، آدم میزند؛ انتظار خوردن هم باید داشته باشد. دشمن بیکار نیست، او هم ضربه میزند. انسان باید در این عرصه‌ی وسیع بین‌المللی، خود را در میدان جنگ مشاهده کند. بحث صلح و نوازش و اینها نیست. حتی آنجائی هم که حرف نرم میزنند، پشت حرف نرم، يك خنجر آخته‌ای وجود دارد که منتظر غفلتی هستند تا دسته در جگر طرف مقابل خودشان فرو کنند. لذا باید بیدار بود، باید هشیار بود. این هشیاری هست، این بیداری هست. من توصیه و تأکیدم این است که این را حفظ کنیم، نگه داریم.

البته من این را عرض بکنم؛ اینجا جای تقوای جمعی است. ما يك تقوای فردی داریم، که هر کسی خود را تحت مراقبت دائم داشته باشد. تقوای کامل این است که انسان به طور دائم خود را تحت مراقبت داشته باشد؛ مثل کسی که در يك محوطه‌ی پوشیده‌ی از خارهای دامنگیر دارد حرکت میکند - این مثال، هم در روایات هست، هم در کلمات بزرگان هست - باید دائم حواسش باشد؛ یعنی زیر پایش را نگاه کند. اگر غفلت کنید، خار دامن شما را میگیرد، لباس



شما را پاره میکند، پای شما را مجروح خواهد کرد. تقوا را تشبیه کرده‌اند به حرکت در خارستان. خب، این تقوای فردی است و لازم است؛ راه دستیابی به فوز و فلاح هم فقط همین است. اگر کسی بخواهد به فلاح برسد، به فوز برسد، به نجات ابدی برسد، بایستی تقوا داشته باشد. هر مقدار این حالت بیشتر بود، فوز و فلاح بیشتر است. یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمعها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمعها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب میشود که حتی آدمهائی هم که در بین آن جمعها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمعها بغلتند و به جایی بروند که نمیخواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهائی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده.

در دهه‌های قبل، یک جریان در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آنها شعارهای خوبی هم میدادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدمهائی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه‌گر ضد امام حسین و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند! آنها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعار دهنده‌ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آنها غلتیدند. بنابراین تقوای جمعی لازم است.

من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه، خود را بپاید. حالا حرفهائی گوشه کنار زدند که نماینده باید آزاد باشد، چه باشد. کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کجرفتاری نماینده مخالف است. یک نماینده‌ی کجرفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند، متهم کند؛ حیف نیست؟ مجلس به این عظمت، این نهاد قانونی اساسی در کشور.

اول انقلاب خدمت امام رفتیم، برای اینکه یکی از بزرگان بین خودمان را به عنوان رئیس جمهور به امام معرفی کنیم تا امام ایشان را قبول کنند و ما بیائیم ایشان را در حزب جمهوری اسلامی به عنوان رئیس جمهور مطرح کنیم. امام به دلیلی قبول نکردند. بعد به ما گفتند که بروید سراغ مجلس؛ مجلس مهم است. از نگاه رهبر انقلاب و بنیانگذار این نظام و پدید آورنده‌ی این مجموعه، مجلس یک چنین جایگاهی دارد. خب، این را باید نگه داشت، باید آبرویش را حفظ کرد، باید چهره‌اش را حفظ کرد؛ این، خودنظارتی لازم دارد. اگر این خودنظارتی نباشد، اشکال به وجود می‌آید؛ خود شما هم دارید می‌بینید. من پارسال در این خصوص سفارش کردم. البته اخیراً در مجلس نسبت به این قضیه کارکی انجام گرفت، اما اهمیت این قضیه درست به دست نیامد. این خودنظارتی، تقوای جمعی است.

در مجلس، سلائق مختلف و جریانهای مختلف هستند. بنده هیچ اصرار ندارم که جریانها بیایند همه یکی بشوند؛ نه، اختلاف سلیقه، اختلاف فکر، اختلاف مذاق و اختلاف عقیده‌ی سیاسی وجود دارد و طبیعی است. این اختلاف سلیقه‌ها در موارد بسیاری مفید است؛ حالا ممکن است یک جاهائی هم ضررهائی داشته باشد. اصراری نیست بر این که این خطوط حتماً برداشته شود؛ اصرار اولاً بر آن چیزی است که قبلاً گفتم: یقه‌ی یکدیگر را نگیرند؛ اختلاف سلیقه منتهی نشود به کشمکش و دعوا و چالش و دشمن خونی همدیگر شدن و فراموش کردن آمریکا. متأسفانه بعضی از جناحهای ما اینجوری‌اند. وقتی با طرف مقابل مخالف میشوند، دیگر آمریکا فراموش میشود، اسرائیل فراموش میشود، مخالفین انقلاب و دشمنان امام فراموش میشوند؛ تضاد اصلی، میشود همینی که در مقابلش قرار دارد!

خب، این غلط است. پس جناحها با همدیگر اینجور جنجال و دعوا نداشته باشند. دوم هم اینکه در بین خودشان خودکنترلی داشته باشند، خودمراقبتی داشته باشند، نگذارند جریانشان انحراف پیدا کند؛ والا در میان این جریانها، آدمهای خوب کم نیستند؛ اما وقتی جریان اشکال پیدا کرد، آدم خوب را هم با خودش می‌غلطاند و می‌برد. این نکات، جزو چیزهای روشن و طبیعی است. من خیلی بنا ندارم برای برادران و خواهران، توسع در حرف و بیان داشته باشم.

نکته‌ای را من الان لازم میدانم عرض بکنم. چون امسال آخرین سال نمایندگی این مجلس و دوستان و عزیزان



است، مراقب باشید به خاطر انتخابات آخر سال در اسفند، این ده ماهی که باقی مانده، مجلس دچار رکود و کم کاری نشود. بیم آن هست که توجه دوستان و نمایندگان محترم به حادثه‌ی دوازده اسفند آینده موجب بشود که همه‌ی کارهای لازم فاصله‌ی بین امروز و دوازده اسفند تحت الشعاع قرار بگیرد. خواهش من این است که این اتفاق نیفتد. من در همه‌ی دولتها این سفارش را به دولتی‌ها می‌کردم که مراقب باشید سال آخر سست نشود. این در مورد مجلس اهمیتش بیشتر است، چون خطرش بیشتر است. سال آخر برای دولتی‌ها فقط همین است که سال آخرشان است؛ خودشان تلاش و تحرکی برای تداوم مسئولیت نمیتوانند داشته باشند؛ اما نماینده‌ی مجلس چرا، میخواهد تلاش کند، چه کند. این تلاش نایستی وظیفه‌ی امروز را - که وظیفه‌ی نقد و لازمی است - تحت الشعاع قرار بدهد. من جداً درخواستم از برادران و خواهران این است که این را رعایت کنند.

یک مسئله‌ی دیگر هم نزدیک شدن به صاحبان قدرت و ثروت است؛ این را ما با شما بی‌رودریاستی عرض کنیم. بالاخره ما برادران هم هستیم؛ همدیگر را بایستی توأسی به حق و توأسی به خیر کنیم. این خیلی خطر بزرگی است که کسی به خاطر تأمین نمایندگی در یک دوره، نزدیک بشود به صاحبان ثروت یا به صاحبان قدرت؛ این خیلی چیز بدی است؛ این از آن چیزهایی است که خدای متعال از آنها نمیگذرد و انتقام خواهد گرفت. این چیزها روی شخص، روی عاقبت - عاقبت به خیری که اینقدر برایش اهمیت قائلیم - و روی جامعه اثر منفی میگذارد.

در این طرح نظارت هم که حالا کلیاتش تصویب شده، دوستان جوری تنظیم کنند که یک نظارت واقعی انجام بگیرد؛ یعنی حالت سازوکار بده بستانی پیش نیاید. جوری عمل کنید که واقعاً یک چشم بصیر و بینائی از خود مجلس مراقبت کند. اینجور نباشد که رودریاستی و بده بستان و اینها بر این قضیه حاکم شود.

مطلب دیگر هم همین توصیه‌ای است که من همیشه دارم و آن، هم‌افزائی با قوه‌ی مجریه است - قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه، لیکن عمدتاً قوه‌ی مجریه؛ چون سر و کار مجلس با قوه‌ی مجریه است - باید هم‌افزائی کرد. نایبستی کار را جوری تنظیم کرد، جوری پیش برد که معنایش دعوا و اختلاف باشد؛ این در بیرون، روی مردم، خیلی تأثیراتش بد است. گاهی دیده میشود که مثلاً در مجلس، در یک نطق، در یک اظهار نظری، یک حرفی زده میشود. خب، حرف که زده شد، پرتاب شد دیگر. اگر خدای نکرده حرفی باشد که کسی را یا جمعی را متهم کند، جبرانش به آسانی ممکن نیست؛ مردم را ناامید میکند. امروز مسئولین دارند تلاش میکنند، کار میکنند. نگوئید فلان ضعف و فلان ضعف وجود دارد. بنده به ضعفها آگاهم. شاید بنده بعضی از ضعفها را هم بدانم که خیلی‌های دیگر ندانند. با وجود این ضعفها، آن چیزی که امروز در قوه‌ی مجریه وجود دارد، یک شاکله‌ی خوب و مطلوب است. در کشور دارد کار انجام میگیرد. خب، بایستی همکاری کرد، باید کمک کرد؛ هم مجلس کمک کند به دولت، هم دولت کمک کند به مجلس؛ هم قانون فصل‌الخطاب است برای عمل دولت، هم گرایشهای دولت و تشخیصهای دولت یک اشاره است به قانونگذار برای کیفیت قانونگذاری. این مسئله با استقلال مجلس منافات ندارد. من نماینده‌ی مجلس هم بودم، رئیس دولت هم بودم؛ من هر دو جا را تجربه کردم. در طول این سالهای متمادی هم، هم مجالس را دیدم، هم دولتها را دیدم. هیچ اشکالی ندارد که یک مجلسی قانون صحیح و درست و قوی و منطقی را جوری تنظیم کند که برای دولت، رفتار طبق آن قانون، عملی باشد، ممکن باشد، آسان باشد. اگر این شد، معنایش این نیست که مجلس استقلال ندارد. بعضی‌ها که شاید میخواهند سر به تن این مجلس هم نباشد، آدم می‌بیند که شده‌اند دلسوز استقلال مجلس: آقا مجلس استقلال داشته باشد! این هیچ منافاتی با استقلال مجلس ندارد. انسان نگاه کند ببیند دولت چه جوری میتواند عمل کند، چه جوری بهتر میتواند عمل کند، چه جوری آسانتر میتواند عمل کند، قانون را تنظیم کند در این مجرا ببیند؛ این ممکن است، هیچ اشکالی هم ندارد. از آن طرف هم وقتی قانون تهیه شد، منجر شد، دولت موظف است با همه‌ی وجود، با همه‌ی قوا، بدون بهانه‌گیری، طبق آن قانون عمل کند. دو طرف قضیه، اینجوری است؛ یعنی هر دو میتوانند به هم کمک کنند، هم‌افزائی کنند؛ این لازم است، این باید انجام بگیرد. اگر چنانچه از هر دو



طرف يك بهانه‌هائی اتفاق افتاد ؛ این طرف گفت نه، این قانون را چون دولت اینجوری میخواهد، ما نمیکنیم ؛ آن طرف هم گفت چون این قانون، این گوشه‌اش کج است، ما هم زیر بار نمیرویم ؛ خب، این که نمیشود ؛ اوضاع مملکت نمیچرخد. رفق، خوب است ؛ رفق، همسازی، همیاری، مدارا. در باب رفق روایاتی داریم. رفق یعنی سازگاری ؛ انسان سازگاری نشان بدهد. آن که آدم نباید با او سازش کند، دشمن است ؛ آدم با دوست باید سازگاری نشان دهد. بالاخره باید تحمل کنند ؛ يك چیزی را این از آن تحمل کند، يك چیزی را آن از این تحمل کند.

خب، انتخابات هم در پیش است. انتخابات هم مهم است. انتخابات، شاخص و علم نظام جمهوری اسلامی است. به کوری چشم دشمنها، ما الحمدالله انتخابات را بدون اندک تأخیری، همیشه سر وقت انجام دادیم ؛ این خیلی مهم است. از سال 58 که اولین انتخابات انجام گرفته است تا امروز، سی و یکی دو تا انتخابات انجام گرفته ؛ سر وقت، با دقت. واقعاً خودشان را کشتند که شاید بتوانند در يك برهه‌ای انتخابات مجلس را عقب بیندازند، اما نتوانستند.

رؤسای قوا با همدیگر همدست شدند که نگذارند انتخابات مجلس شورای اسلامی سر وقت انجام بگیرد، اما نتوانستند. خیلی تلاش کردند، آمدند، بحث کردند، حرف زدند، روزنامه نوشتند، امضاء جمع کردند، مأمورین دولتی را بسیج کردند، ولی الحمدالله نتوانستند. بعد از این هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود. انتخابات مهم است. انتخابات برای ما يك پرچم افتخار است ؛ نشانه‌ی مردم‌سالاری دینی است. انتخابات بایستی خوب انجام بگیرد. تا امروز هم با همه‌ی بداخلاقی‌هائی که از اطراف مختلف و در دوره‌های گوناگون اتفاق افتاده و همین طور نق و نوق کرده‌اند و از قبل از انتخابات شروع میکنند که آره، نبادا در انتخابات تخلف بشود، فلان بشود، اما خوشبختانه هیچ چیز را نتوانستند اثبات کنند. در دوره‌های مختلف بحمدالله انتخابات خوب، روشن و شفاف انجام گرفته، این دوره هم ان‌شاءالله همین جور خواهد بود. البته تا انتخابات وقت خیلی زیاد است، منتها من میخواهم سفارش کنم که مسئولین کشور مراقب باشند احترام انتخابات را نگه دارند. هم مجلس، هم دولت، هم قوه‌ی قضائیه، احترام انتخابات را نگه دارند. اگر کسی به انحاء مختلف دخالت کند، هیچ روا نیست، جایز نیست. باید مردم بر طبق روال قانونی ببینند، تشخیص بدهند، بشناسند و انتخابات انجام بگیرد.

عرایض ما تمام شد. من فقط يك جمله عرض بکنم: این مطالبی که برادر عزیزمان بعد از صحبت‌های آقای لاریجانی فرمودند، واقعاً من را شرمنده میکند. ولو میدانم از روی محبت و اخلاص و صفاست - در این تردیدی نیست - لیکن اینجور بیانات، هم به ضرر من است، هم به ضرر خود گوینده است. نبایستی این بیانات به این شکل بیان شود. يك مجموعه‌ی زمانی تصادفاً کنار هم قرار گرفته‌ایم و داریم با هم کار میکنیم ؛ من يك کار میکنم، شما يك کار میکنید. اینجور تعبیرات، تعبیراتی نیست که انسان را خوش بیايد یا کمکی به کار پیشرفت انسان بکند. ما همگی بندگان خدا هستیم و ان‌شاءالله خدمتگزاران مردم هم باشیم.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال همه‌ی ما را مشمول تفضلات خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته